

نگاهی گذرا به سیر نگارشهای علوم قرآنی

محمد علی مهدوی راد

قسمت دوم

در شماره پیشین پس از تعریف عنوان «علوم قرآنی» آثار نگاشته شده در این زمینه را در سالهای پایانی قرن اول؛ و قرن دوم فهرست کردیم اینک ادامه بحث را پی می گیریم؛ در قرنهای سوم و چهارم؛ با تصریح و تأکید بر این که هدف، استقصاء نام و تمام نیست بلکه این مقالات آهنگ نگاهی دارد گذرا به سیر نگارشهای علوم قرآنی. آنچه یاد می شود مستند است به منابع شرح حال نگاری و آثار کتابشناسی و هیچ عنوانی بدون استناد به منابع اطمینان از صحت گزارش نمی شود.

قرن سوم

در این قرن یحیی بن زیاد فرآء (م ۲۰۷) یاد کردنی است. او از ادیبان و عالمان به نام این قرن است. فرآء آثار و نگاشته های فراوانی از خود برجای گذاشت.^۱ و در این میان نگاشته های وی درباره مباحث و مسائل قرآنی از جایگاه بلندی برخوردار است. از میان آثار فرآء «اختلاف أهل الكوفه والبصره والشام فی المصاحف»، «الجمع والتثنيه فی القرآن»، «لغات القرآن» و «المصادر فی القرآن» در علوم قرآنی است.^۲ «معانی القرآن» که گاه از آن با عنوان «مشکل اعراب القرآن و معانیه» نیز یاد شده است، با توجه به حد و حدود نگارشهای قرآنی و تفسیری در آن روزگار کتابی تفسیری است تا علوم قرآنی. در آثار نگاشته شده با عنوان «معانی القرآن».

گو اینکه جنبه های لغوی و اعرابی گسترده است اما در نگاه کلی، این آثار آهنگ تفسیر دارند و می توان آنها را تفاسیر ادبی دانست که بیشترین توجه را به شیوه بیانی قرآن داشته اند و واژه های دشواریاب را تبیین کرده اند.^۳

در این قرن به محمد بن عمر واقدی، مورخ بلند آوازه و صاحب کتاب ارجمند «المغازی» کتابی نسبت داده اند با عنوان «الترغیب فی علم القرآن»؛ که از آن، گاه به «الترغیب فی علم القرآن و غلط الرجال» نیز یاد شده است. اما ابن ندیم از آن با عنوان «الترغیب فی علم المغازی و غلط الرجال» یاد کرده است.^۴ در منابع شرح حال نگاری کهن در کتابهای «الفهرست»، «معجم الأدباء»، «الوفای بالوفیات» که گزارش تفصیلی آثار واقدی آمده است در اوکی و سوومی «الترغیب فی علم المغازی» است و در دوومی «الترغیب فی علم القرآن»^۵. با توجه به ثبت و ضبط آن در کهنترین مرجع کتابشناسی و نیز تخصص و حوزه پژوهشها و نگارشهای واقدی، باید گفت عنوان «الترغیب فی علم القرآن» که در منابع متأخر دیده می شود تصحیف «الترغیب فی علم المغازی و غلط الرجال» است و واقدی کتابی در مباحث قرآنی نداشته است.

ابوعبیده معمر بن المثنی (م ۲۰۹) از عالمان و ادیبان این روزگار است که به وی کتابهای «غریب القرآن»، «معانی القرآن» و «مجاز القرآن»^۶ را نسبت داده اند. اکنون اثری قرآنی در دو جلد با عنوان «مجاز القرآن» را در اختیار داریم.^۷ برای پژوهشگران تاریخ علوم قرآنی این سؤال مطرح است که آیا ابوعبیده چنانکه از عناوین یادشده برمی آید سه کتاب درباره مسائل قرآنی داشته است و یا همه این عناوین از آن یک کتاب است و او جز یک اثر درباره قرآن کریم سامان نداده است.

آقای سزگین، بر این باور است که ابوعبیده افزون بر «مجاز القرآن» کتابی ندارد و عناوین سه گانه (با توجه به اینکه گاه در برخی منابع از «اعراب القرآن» در میان آثار وی یاد شده است) و یا چهار گانه، عناوین گونه گونه یک کتاب است. دلایل آقای سزگین استوار است و مستند به منابع شرح حال نگاری و کتابشناسی کهن و نسخه شناسی؛ که اکنون مجال تفصیل آن نیست.^۸ قرآن پژوه ارجمند حضرت آیت الله معرفت به ابوعبیده کتابی با عنوان «اعجاز القرآن» نسبت داده اند^۹؛ که ظاهراً درست نیست، در منابع شرح حال نگاری هرگز این عنوان را در میان آثار وی نتوان یافت؛ افزون بر این عنوان «اعجاز القرآن» را ظاهراً برای اولین بار محمد بن عمر بن سعید باهلی از متکلمان معتزلی (م ۳۰۰) حدود یک قرن پس از ابوعبیده بکار گرفته اند^{۱۰} و بیشتر از آن سابقه ندارد.^{۱۱}

در این قرن نویسندگانی پرکار و خوش نویس، ابوعبید قاسم بن سلام (م ۲۲۴) نیز یادکردنی

است با کتابهای: «المقصود والممدود»، «القرآآت»، «الناسخ والمنسوخ»، «فضائل القرآن»، «عدد آی القرآن». ۱۲

«فضائل القرآن» ابو عبید را اینک در اختیار داریم. ۱۳ این کتاب را باید از آغازین کوششهای جدی برای جمع و تدوین بخشی از عناوین علوم قرآنی تلقی کرد. در ضمن ۶۷ باب این کتاب، ۱۵ بحث از مباحث علوم قرآنی گزارش شده است.

ابو عبید آثاری با عناوین «غریب القرآن» و «معانی القرآن» نیز داشته است. اما اینکه در برخی از پژوهشهای نو، کتابی با عنوان «اعجاز القرآن»^{۱۴} به او نسبت داده شده و چنین پنداشته شده است که آن از آغازین آثار در موضوع اعجاز است، درست نیست. در هیچ منبعی از منابع شرح حال نگاری و کتابشناسی اثری با این عنوان به وی نسبت داده نشده است.

حسن بن علی بن فضال (م ۲۲۴) از صحابیان امام هشتم (ع) که وی را به زهد، ورع و وثاقت در حدیث ستوده اند، اثری نگاشته است دربارهٔ ناسخ و منسوخ در قرآن با عنوان «الناسخ والمنسوخ». ۱۵ به ابن فضال کتابی با عنوان «الشواهد من القرآن [من کتاب الله]» نیز نسبت داده شده است. ۱۶ پیش از وی در میان آثار اصحاب امامان (ع) به ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن اضم مسمعی نیز رساله ای با عنوان «الناسخ والمنسوخ» نسبت داده اند^{۱۷}. متأسفانه این نگاشته ها اکنون در اختیار نیست تا چگونگی ارزیابی موضوع در آنها گزارش شود.

علی بن عبدالله بن جعفر مدینی (م ۲۳۴) کتاب «اسباب النزول» را نگاشت. ۱۸ او از عالمان، محدثان و رجالیانی است که به کثرت دانش و آگاهیهای گسترده در دانش رجال ستوده شده است، و شرح حال نگاران آثار بسیاری برای وی شمرده اند. از این کتاب وی، ابن ندیم با عنوان «التنزیل» یاد کرده و گفته است کتابی است «لطیف». ۱۹ حاج خلیفه از آن با عنوان «اسباب النزول» یاد کرده و نوشته است که این کتاب اولین اثر نگاشته شده در این زمینه است. ۲۰

حارث بن اسد محاسبی (م ۲۳۴) در این قرن اثر مهم «العقل وفهم القرآن» را نگاشت. محاسبی از عالمان، متکلمان و صوفیان بلندآوازه این عصر است. او آثار فراوانی از خود برجای نهاده است. ۲۱ کتاب «فهم القرآن و حقیقه معناه» را گو اینکه مهمترین کتاب در تاریخ تصوف دانسته اند که در جهت تبیین و تشیید تصوف نگاشته شده است^{۲۲}، ولی باید توجه داشت که در علوم قرآنی نیز اثری است فحیم؛ و با توجه به پیشینهٔ زمان و شیوه نگارش، محاسبی و جایگاه فکری او، در شناخت جریانهای فکری آن روزگار بسی سودمند. او در این کتاب از جایگاه و فضائل قرآن، قاریان، فقه قرآن، اعجاز قرآن، نسخ در قرآن، خلق قرآن و... سخن گفته است. ۲۳ ابو الفضل جعفر بن حرب (۲۳۶) از پیشوایان معتزله و از متکلمان و زاهدان نامدار که

در موضوعاتی مختلف قلم زده است، کتابی نگاشته است با عنوان «متشابه القرآن»^{۲۴}. احمدبن محمدبن عیسی اشعری چهره منور و برجسته محدثان و فقیهان قم (م حدود ۲۵۰) نیز در میان آثار متعددی که نگاشته است کتابی دارد با عنوان «الناسخ والمنسوخ»^{۲۵}. اکنون باید از ادیب و متکلم بلندآوازه، ابو عثمان عمرو بن بحرین محبوب مشهور به جاحظ (۲۵۵) یاد کنیم. او در نقد دیدگاه استادش ابواسحاق ابراهیم النّظام (م ۲۲۰) کتابی پرداخت با عنوان «نظم القرآن» که اکنون در اختیار نیست. جاحظ خود از کتابش یاد کرده است^{۲۶} و ابن ندیم نیز از آن سخن گفته است^{۲۷}. آراء و اندیشه های جاحظ درباره نظم قرآن و اعجاز بیانی آن در سیر تکاملی این بحث نقش شایان توجهی داشته است. افزون بر کتاب یادشده وی در جای جای آثارش به اعجاز قرآن پرداخته و از نظم مانند ناپذیر و شیوه بیانی معجز آسایش سخن گفته است.^{۲۸} در این روزگار تحولات سیاسی گسترده زمینه های دیگرگونی فرهنگی مهمی را در جامعه اسلامی بوجود آورده است، ورود و حضور فرهنگهای مختلف از یک سوی دامنه نگرش به دین و نگارش در فرهنگ اسلامی را گسترانده است و از دیگر سوی برخی از جنبه های فرهنگ اسلامی و مهمترین و استوارترین مستند آن، یعنی قرآن کریم را مورد گفت و گو قرار داده است؛ و این همه زمینه ظهور و بروز آثار بسیاری در حوزه فرهنگ اسلامی شده است که گزارش چگونگی آنها فرصتی فراختری می طلبد.

ابومحمد عبدالله بن مسلم بن قتیبه (م ۲۷۶) در مقدمه کتاب ارجمندی «تأویل مشکل القرآن» می نویسد:

«برخی از ملحدان در کتاب خداوند طعن زده و فتنه جویانه به تأویل متشابهات قرآن پرداخته اند اینان کلام الهی را تحریف کرده و با روی برتافتن از شیوه های استوار فهم بیان الهی درباره آن داوری کرده اند که از: تناقض، کژگویی، دیگرسانی در چینش و اختلاف پیراسته نیست...»^{۲۹}

بیان ابن قتیبه می تواند نمایشگر گوشه ای از وضع فرهنگی آن روزگار باشد و چگونگی رویایی فرهنگها را نشان دهد. ابن قتیبه در این میدان حضور جدی دارد و با نگاشتن آثار ارجمندی چون «تأویل مشکل القرآن»، «تفسیر غریب القرآن»، «اعراب القرآن»، «القرآات» و «المسائل والأجوبه فی الحدیث والتفسیر» در جهت تبیین معارف قرآن و دفاع از ساحت قدس کتاب الهی کوشیده است.^{۳۰}

ابوحاتم سهل بن محمدبن عثمان سجستانی بصری (م ۲۵۵) از قاریان، ادیبان و نحویان بزرگی است که حدود سی و سه کتاب در موضوعات مختلف به او نسبت داده اند. وی در آستانه

قرآن کتابهای «اعراب القرآن»، «القرآت» و «اختلاف المصاحف» را نگاشت.^{۳۱} ابوالعباس محمدبن یزید بصری مشهور به «میرد» (م ۲۸۶) از ادیبان و عالمان بزرگ این روزگار یاد کردنی است که وی را به پیشوایی در نحو، فصاحت در سخن و بسیاری دانی در فرهنگ اسلامی، وثاقت و استواری در نگارش ستوده اند. او در مباحث قرآنی «ما اتفقت ألفاظه و اختلف معانیه فی القرآن»، «اعراب القرآن»، «احتجاج القرآت»، «کتاب الحروف فی معانی القرآن» را نگاشته.^{۳۲}

اکنون باید از ابوالقاسم سعدبن عبدالله اشعری قمی (م ۲۹۹) یاد کنیم: فقیه، متکلم و چهره برجسته شیعه در آن روزگار که او را به گستردگی دانش و تألیف، وثاقت در نقل، منزلت والا و مرتبت عظیم ستوده اند.^{۳۳} وی کتاب «ناسخ القرآن و منسوخه و محکمه و متشابه» را نگاشت.^{۳۴} ابو عمرو محمدبن عمر بن سعید باهلی (م ۳۰۰) از عالمان و متکلمان معتزله و از سرآمدان روزگار در تاریخ، کلام و شعر، کتابی پرداخت با عنوان «اعجاز القرآن»، ظاهراً این کتاب اولین اثری است که عنوان اعجاز القرآن را بر خود دارد.^{۳۵} آثار فراوان دیگری در این قرن نگاشته شده است (که ضیق مجال را) از یاد کرد آنها می گذریم.^{۳۶}

قرن چهارم

قرن چهارم، قرن شکوفایی دانش است، در این قرن اندیشه‌ها، فکرها در حوزه فرهنگ اسلامی رشد شایسته ای داشته و آثار بسیاری در ابعاد مختلف فرهنگ اسلامی نگاشته شده است. در این قرن باید از محمدبن یزید واسطی (م ۳۰۶) یاد کرد؛ که کتاب «اعجاز القرآن فی نظمه و تألیفه» را نگاشت.^{۳۷} این کتاب از اولین آثار است که این عنوان را بر خود دارد. عبدالقاهر جرجانی بر این کتاب دو شرح نوشته است؛ که پس از این از آنها یاد خواهیم کرد.

محمدبن خلف بن حیّان (م ۳۰۶) از قاضیان و عالمان آن روزگار و از آشنایان به وقایع و تاریخ کتابی پرداخت با عنوان «عدد آی القرآن»^{۳۸}. آورده اند که از ابوبکر احمدبن مجاهد خواستند تا کتابی درباره عدد آیات قرآن بنگارد او گفت: کتاب و کیم در این باره ما را بسنده است.^{۳۹}

حسن بن موسی نوبختی (م ۳۱۰) از متکلمان زبردست و عالمان بزرگ خاندان عظیم نوبختی، کتابی پرداخته است با عنوان «التنزیه و ذکر متشابه القرآن». رجالی بزرگ شیعه ابوالعباس نجاشی آثار وی را گزارش کرده و از جمله از این کتاب یاد کرده است، نگرستن به عناوین کتابهای وی نشانگر مرزبانی و سختکوشی آن بزرگوار از تفکر شیعی است.^{۴۰} در این قرن، از جمله از اثر بزرگی یاد شده است با عنوان «الحاوی فی علوم القرآن» به خامه

محمدبن مرزبان محوکی (م ۳۰۹). ابن ندیم از این کتاب یاد کرده و آنرا ۲۷۱ جزء دانسته است.^{۴۱} دکتر صبحی صالح این کتاب را اولین اثری دانسته است که با نام صریح «علوم قرآن» نگاشته شده، و بدین موضوع پرداخته است.^{۴۲} اما به پندار ما این سخن استوار نمی نماید. پیشتر یادآوری کردیم که پیشینیان غالباً چون «علوم قرآن» می گفتند از آن «دانشهای قرآن» را مراد می کردند و نه «دانشهای درباره قرآن» را. از این روی، سخن دکتر ضیاءالدین عتر درست می نماید که درباره این کتاب نوشته است:

«با توجه به وسعت کتاب و پیشینه تاریخی آن، که در آن روزگار بحث از «علوم قرآن» با مفهوم مصطلح به گستردگی معمول نبوده است، این کتاب نیز ظاهراً تفسیر قرآن است و نه کتابی در علوم قرآن.^{۴۳}

ابوعلی حسن بن علی بن نصر طوسی مشهور به «گردش» (م ۳۱۲) از عالمان و محدثان آن روزگار کتابی نوشت با عنوان «نظم القرآن»^{۴۴}. ابوبکر عبدالله بن سلیمان سجستانی (م ۳۱۶) از محدثان و قرآن پژوهان این قرن است. کتابهای: «المصاحف»، «الناسخ والمنسوخ»، «رساله فی القراءت»، «فضائل القرآن» و «نظم القرآن» را به وی نسبت داده اند.^{۴۵}

در این قرن ادیب بلندآوازه و شاعر چیره دست ابوبکر محمدبن الحسن ازدی مشهور به - ابن درید (م ۳۲۱) - که آثار بسیاری در موضوعات مختلف فرهنگ اسلامی نگاشته است، کتابی نگاشت با عنوان «غریب القرآن». از این کتاب ابن ندیم و یاقوت یاد کرده اند. یاقوت تصریح کرده است که وی این کتاب را به پایان نرسانده است.^{۴۶}

ابوزید احمدبن سهل بلخی (م ۳۲۲) از متکلمان زبردست و عالمان بزرگ این قرن، که او را به عمق نظر، گستردگی دانش و توانمندی در سخن ستوده اند کتابهایی در علوم قرآنی رقم زد. «غریب القرآن» که از آن به «ما أعلق من غریب القرآن» نیز یاد کرده اند، «الحروف المقطعه فی اوائل السور»، «نظم القرآن»، «قوارع القرآن»^{۴۷} از جمله کتابهای علوم قرآنی او است. در ضمن آثار بلخی از کتابی یاد شده است با عنوان «البحث عن التأویلات»، این کتاب که مورد ستایش عالمان قرار گرفته است نیز گویا در همین زمینه بوده است. در الفهرست آمده است:

«از ابوزید نقل کرده اند که چون کتاب «البحث عن کیفیة التأویلات» را به حسین علی مرورودی که از قریطیان بود خواندم، با اینکه با من پیوند دیرینه داشت از من گسست. «قریطیان اهل تأویلهای شگفتند و در آیات الهی به تأویلهای غریبی باور دارند و این نقل تا حدودی می تواند نشانگر چگونگی محتوی کتاب، و جریانهای فرهنگی آن روزگار باشد.

در زندگانی او آورده اند که: قرآن را از آنچه بدان نسبت می دهند می پیراست و در تفسیر و تأویل آن جز بر ظاهر مستفیض استناد نمی جسته است.^{۴۸}

به محمد بن علی شلمغانی، مشهور به «ابن عزائر» از عالمان این قرن، کتابی نسبت داده شده است با عنوان «نظم القرآن».^{۴۹} ابوبکر احمد بن علی، مشهور به «ابن إخشید» (م ۳۲۶) از بزرگان و متکلمان معتزله که وی را لقب «شیخ المعتزله» داده اند، و آثار و نگاشته هایش را ستوده اند^{۵۰}، در علوم قرآنی کتابهای «نقل القرآن» و «نظم القرآن» را نگاشت.^{۵۱}

ابوبکر محمد بن قاسم بن بشار الأنباری نحوی (م ۳۲۸) در علوم قرآنی کتابهای «الهاءات فی کتاب اللّه»، «الردّ علی من خالف مصحف عثمان»، «المشکل فی معانی القرآن»، «ایضاح الوقف والأبتداء فی القرآن الکریم» و «عجائب علوم القرآن»^{۵۲} را نگاشت. کتاب «ایضاح الوقف...» در دو مجلد چاپ شده است^{۵۳} با مقدمه ای بسیار سودمند درباره کتاب، مؤلف و شیوه تحقیق آن. و نیز فهارس فنی و کارآمد. از کتاب «عجائب علوم القرآن» آقای صبحی صالح نسخه ای نشان داده و گفته است که:

«در آن کتاب درباره فضائل قرآن، کتابت مصاحف، چگونگی نزول قرآن و مسئله «احرف سبعة» عدد سوره ها و آیه ها و کلمات قرآن سخن رفته است.»^{۵۴}

بیفزاییم که گویا این کتاب اولین اثری است که با عنوان «علوم قرآن» به موضوعات علوم قرآنی پرداخته است.

ابوبکر محمد بن عزیز سجستانی (م ۳۳۰) «غریب القرآن» را نگاشت و طرحی نو در نگارش آن در انداخت. او آیات را بر اساس حروف الفبا شکل داد و ۱۵ سال در تنقیح و تکمیل آن کوشید. سیوطی می گوید:

«غریب القرآن را به نیکویی نگاشت، او در پانزده سال بر استادش ابن انباری نگاشته هایش را می خواند و تصحیح می کرد.»^{۵۵}

غریب القرآن با تحقیق و تعلیق و به گونه های مختلف چاپ شده است. بهترین چاپ آن، به تحقیق دکتر یوسف مرعشلی است با مقدمه ای سودمند که به سال ۱۴۱۰ نشر یافته است.^{۵۶}

آقای دکتر صبحی صالح در ضمن شمارش آثار علوم قرآنی از کتابی یاد می کند با عنوان «المختزن فی علوم القرآن» نگاشته ابوالحسن علی بن اسماعیل بن اسحق (مشهور به ابوالحسن اشعری) پیشوای اشاعره.^{۵۷} ولی ظاهراً این کتاب تفسیری بوده است بسیار گسترده اما ناتمام از ابوالحسن اشعری. ابن فرحون نوشته است:

«او کتابی دارد با عنوان «المختزن فی علوم القرآن» که برآستی کتابی است بزرگ و تا سوره

کشف نگاشته است در صد جزء و یا بیشتر. ۵۸

أبو جعفر أحمد بن محمد بن نحاس (م ۳۳۸) از ادیبان و نحویان بزرگ قرن چهارم کتابهای «اعراب القرآن»، «معانی القرآن» و «التاسخ والمنسوخ» را نگاشت. اعراب القرآن نحاس از آثار مهم این موضوع است. اعراب القرآن با تحقیق شایسته و مقدمه سودمند آقای دکتر زهیر غازی زاهد منتشر شده است. ۵۹ به أبو عبد الله محمد بن ابراهیم - معروف به ابی زینب - نعمانی (م حدود ۳۵۰) کتابی نسبت داده شده است با عنوان «صنوف آیات القرآن». مجموعه این رساله را علامه مجلسی (ره) در بحار الانوار (ج ۹۸/۹۰ - ۱) آورده است. این مجموعه با عنوان «رسالة المحکم والمتشابه» و با انتساب به سید مرتضی (ره) نیز جداگانه نشر یافته است که قطعاً این انتساب درست نیست. آیا رساله «صنوف آیات القرآن» از نعمانی است؟ و محتوای آن چنانکه سند آن نشان می دهد روایت است و نقل از علی (ع)؟ آیا این مجموعه همان رساله «ناسخ القرآن و منسوخه و محکمه و متشابه» سعد بن عبد الله اشعری است که بخشی از آن را علامه مجلسی نقل کرده است و بیشتر از آن یاد کردیم؟ پاسخ هیچکدام از این سئوالها را قاطعانه نمی شود داد. به هر حال انتساب آن به نعمانی نیز چندان روشن نیست. ۶۰

به، محمد بن علی بن محمد کرخی (م ۳۶۰) کتابی با عنوان «نکت القرآن الدالة علی البیان، فی انواع العلوم والأحكام المینة عن اختلاف الأنام» نسبت داده شده است. ۶۱ آقای صبحی صالح که از این اثر یاد کرده، نسخه ای از آن نیز نشان داده است.

ابو عبد الله أحمد بن محمد بن سيار (م ۳۶۸) در این قرن «ثواب القرآن» و «التنزیل والتحریف» را نگاشت. از این کتاب با عنوان «القرآت» نیز یاد شده است. ۶۲ وی از غالیان و تحریفگران بوده است. رجالیان وی را به فساد در مذهب، آمیخته سازی صحیح و سقیم، ناستواری در نقل و ضعف در نقل حدیث نسبت داده اند. این کتاب از جمله منابع مرحوم میرزا حسین نوری در کتاب بی پایه «فصل الخطاب» است. ۶۳

حسن بن أحمد بن عبدالغفار (م ۳۷۷) از عالمان، ادیبان و چهره های برجسته این قرن و مشهور به «ابو علی فارسی» کتاب «الحجة للقراء السبعة» را نگاشت. أبو علی در «فسا» از مادر بزاد و در بغداد زندگی را بدرود گفت. او از چهره های منور سلسله ادیبان و عالمان شیعی است. ۶۴ «الحجة...» را در عرضه، بررسی و توجیه قرائتها بهترین و استوارترین کتاب دانسته اند. «الحجة...» بارها چاپ شده است، چاپ محقق و ارجمند سودمندی از آن را دکتر بدرالدین قهوجی و بشیر جویجانی نشر داده اند. ۶۵

این چاپ را دو تن از محققان عرب آقایان عبدالعزیز رباح، أحمد یوسف دقاق مراجعه کرده

و در تدقیق و استوارسازی متن آن کوشیده اند. آقای دقاق مقدمه ای سودمند نگاشته و در ضمن آن از موضوع کتاب و زندگانی و شخصیت علمی ابوعلی سخن گفته است. آقای دکتر شلبی در کتابی مفرد درباره ابوعلی به اثبات تشیع وی پرداخته است. آقای دقاق تلاش بی ثمری بکار بسته تا در این نسبت تردید افکند!!

ابوالحسن علی بن عیسی رمانی (م ۳۸۴) از متکلمان چیره دست اعتزالی، رساله کوچکی نگاشت با عنوان «النکت فی اعجاز القرآن». ابوحیان توحیدی او را بسیار می ستود. او را در تالّه، فصاحت و تقوی سرآمد می دانست. رمانی بر برتری علی (ع) بر همگان پس از رسول الله (ص) باور داشت از این روی وی را به تشیع نسبت می دادند. ۶۶ در سیر تاریخی نگارندهای «اعجاز قرآن» اثر رمانی شایان توجه است. صادق رافعی می گوید:

«رمانی با نگاشتن این رساله پس از جاحظ و واسطی سومین گام مهم را در تبیین و توضیح اعجاز قرآن برگرفت و مسئله نظم و اسلوب بیانی را در پیوند با اعجاز قرآنی بروشنی بازگفت. ۶۷»

رساله رمانی، به ضمیمه دو رساله دیگر با تحقیق و تصحیح محمد خلف الله و دکتر محمد زغلول سلام، نشر یافته است. ۶۸ رمانی تفسیر بزرگی بر قرآن کریم نیز داشته است، این تفسیر در اختیار سیدبن طاووس (ره) بوده و از آن در سیدالسعود نقل کرده است. ۶۹ ابومحمد، عبدالله بن عبدالرحمن قیروانی (م ۴۳۸۶) از عالمان برجسته و سرآمدان مذهب مالکی، کتابی نگاشت با عنوان «اعجاز القرآن» ۷۰ او پیشوای مغربیان در فقه و دانش بود و آثارش معتمد فتوایی آن دیار. ۷۱

محمدبن علی الأدفوی (م ۳۸۸) را کتابی است با عنوان «الأستغناء [الأستغناء] فی علوم القرآن». آقای صبحی صالح از این کتاب در ضمن کتابهای علوم قرآنی یاد کرده است. ۷۲ اما ظاهراً این کتاب تفسیر قرآن است و نه علوم قرآنی، سیوطی بدان، عنوان «تفسیر القرآن» داده می گوید:

«کتابی در تفسیر قرآن دارد در صدویست جلد. ۷۳»

در مقام دیگر نوشته است:

«او کتابی پرداخت در تفسیر قرآن با عنوان «الأستغناء» در صد جلد. ۷۴»

در دیگر منابع شرح حال نگاری نیز از آن به عنوان تفسیر یاد شده است و نه کتابی در علوم قرآن. ۷۵

ابوسلیمان حمدبن محمدبن ابراهیم خطابی (م ۳۸۸) از ادیبان و عالمان و محدثان این قرن رساله ای کوتاه پرداخت در اعجاز قرآن با عنوان «بیان اعجاز القرآن». نگاشته خطابی اثری

است قویم، او از یک سوی در آینه تاریخ ناتوانی عربها و بلیغان آن روزگار را از مانندآوری با قرآن نشان می دهد و بر آن تأکید می ورزد و آنگاه چرایی این حقیقت را در ابعاد مختلف می نمایاند و از سوی دیگر دیدگاه «صرفه» در اعجاز را به نقد می کشد و آنرا در تضاد با صریح آیات الهی و از جمله آیه ۸۸ از سوره اسراء می داند. ۷۶ خطابی در اعجاز قرآن به نکته ای بدیع اشاره می کند و تأکید می کند که بدین نکته کسی قبل از وی پرداخته است. و آن آهنگ تأثیر گذار و ایجاد جاذبه، حلاوت و خشوع در دلهاست. رساله خطابی در مجموعه ای با عنوان «ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن» که پیشتر از آن یاد کردیم چاپ شده است. ۷۷

آثار باقلانی و نیز سید رضی و برخی از عالمان که در دهه اول قرن پنجم زندگی را بدرود گفته اند، نیز شایسته می نمود که در میان آثار قرن چهارم یاد شود. اما اکنون (ضیق مجال را) گزارش آن آثار را می گذاریم برای مقاله شماره بعد، از خداوند برای بهره وری از معارف قرآن توفیق می طلبیم.



۱. در تعداد نگاشته های فراء و عناوین آنها، شرح حال نگاران، یک داستان نیستند، بنگرید به «دراسة فی النحو الکوفی من خلال معانی القرآن»، المختار أحمد دیره، صص ۷۹-۱۰۱، که با تبعی دقیق به گزارش و شرح آثار وی پرداخته است.
۲. «الفهرست»/۷۳، «بقية الوعاة»، ج ۲/۳۳؛ «دراسة فی النحو الکوفی»/۸۱، ۸۵، ۹۰ و ۹۳.
۳. برای آگاهی از چگونگی «معانی القرآن»ها و شیوه نگارش آنها ر.ک: «النحو و کتب التفسیر»، ابراهیم رفیده، ج ۱/۱۷۷-۴۶۸؛ «دراسة فی النحو الکوفی»/۱۰۹.
۴. «الفهرست»/۱۱۱ چاپ رضا تجدد.
۵. «الفهرست»، پیشگفته؛ «معجم الأدباء»، ج ۱۸/۲۸۲؛ «الوافی بالوفیات»، ج ۴/۲۳۸.
۶. «الفهرست»/۵۹؛ «وفیات الأعیان»، ج ۵/۲۳۸.
۷. «مجاز القرآن»، صنعه، ابي عبيده معمر بن المثنى التميمي المتوفى ۲۱۰هـ، عارضه باصوله و علق علیه محمد فؤاد سزگین، الطبعة الثانية، مؤسسة الرساله، بیروت، ۱۴۰۱هـ.
۸. «مجاز القرآن»، ج ۱/۱۸ (مقدمه).
۹. «التمهید»، ج ۱/۸.
۱۰. «الفهرست»/۲۱۹؛ «الأعلام»، ج ۶/۳۱۱.
۱۱. «فكرة اعجاز القرآن»، نعیم الحمصی/۸.
۱۲. «الفهرست»/۷۸؛ «انباء الرواة»، ج ۳/۲۲؛ «معجم الأدباء»، ج ۱۶/۲۶۰.

۱۳. «فضائل القرآن»، الامام ابی عبید القاسم بن سلام (م ۲۲۴) تحقیق و تعلیق، وهبی سلیمان غاوجی، دارالکتب العلمیّه، لبنان ۱۴۱۱. این کتاب چاپهای دیگری نیز دارد بنگرید به: «الأموال» (مقدمه) / ۱۵؛ «البرهان فی علوم القرآن»، ج ۲/ ۵۷ پانویشت.
۱۴. «التمهید فی علوم القرآن»، ج ۱/ ۸.
۱۵. «رجال الطوسی» / ۳۷۱.
۱۶. «رجال النجاشی» / ۳۶.
۱۷. «همان مدرک» / ۲۱۷.
۱۸. «سیر اعلام النبلاء»، ج ۱۱/ ۴۱؛ «الأعلام»، ج ۴/ ۳۰۳.
۱۹. «الفهرست» / ۲۸۶.
۲۰. «كشف الظنون»، ج ۱/ ۷۶.
۲۱. «طبقات الصوفیه» / ۵۶؛ «وفیات الأعیان»، ج ۲/ ۵۷، «سیر اعلام النبلاء»، ج ۱۲/ ۱۰، ونیز ر. ک: مقدمه بسیار عالمانه دکتر حسین قوتلی به کتاب مورد گفت و گو.
۲۲. «العقل وفهم القرآن» / ۲۴۰.
۲۳. «همان مدرک»، صص ۲۶۰-۲۴۵ (مقدمه).
۲۴. «الفهرست» / ۲۱۳، «سیر اعلام النبلاء»، ج ۱۰/ ۵۴۹.
۲۵. «رجال النجاشی» / ۸۲؛ «تهذیب المقال»، ج ۳/ ۳۰۷.
۲۶. «حیة الحیوان»، ج ۳/ ۷۶ چاپ عبدالسلام هارون.
۲۷. «الفهرست» / ۴۱.
۲۸. گزارش و تحلیل دیدگاههای جاحظ را در این باره بنگرید در: «بلاغة القرآن فی آثار قاضی عبدالجبار عبدالفتاح لاشین» / ۴۲۹، «اثر القرآن فی تطوّر النقد العربی»، محمد زغلول سلام / ۷۲، «قضیة الأعجاز القرآنی»، عبدالعزیز عبدالمعطی عرف / ۱۵۱، «الأعجاز فی دراسات السابقین»، عبدالکریم خطیب / ۱۵۷.
۲۹. «تأویل شکل القرآن» / ۷.
۳۰. برای آگاهی از آثار ابن قتیبه بنگرید به مقدمه محققانه ثروت عکاشه در کتاب ارجمند «المعارف» / ۴۰ به بعد.
۳۱. «الفهرست» / ۶۴، «انباه الرواة»، ج ۲/ ۶۲؛ «طبقات المفسرین»، ج ۱/ ۲۱۰؛ «نزّهة الألباء» / ۱۸۹.
۳۲. «الفهرست» / ۶۵؛ «بغیة الوعاة»، ج ۱/ ۲۷۰؛ «طبقات المفسرین»، ج ۲/ ۲۷۱.
۳۳. «رجال النجاشی» / ۱۷۷.
۳۴. علامه مجلسی رضوان اللّه علیه، پس از آنکه رساله ای در «اصناف آیات قرآن» را می آورد، در پایانش یاد می کند که نظیر این را، از «سعدین عبدالله اشعری» یافتیم، بخشهایی از آن را در ج ۸۹/ ۶۰ بحار الأنوار به بعد نقل کرده است، اما آن رساله همین «رساله ناسخ القرآن و منسوخه» بوده است و یا... روشن نیست. به این نکته پس از این نیز اشاره خواهیم کرد.

۳۵. «الفهرست»/۲۱۹؛ «الأعلام»، ج ۶/۳۱۱، «طبقات المفسرين»، ج ۲/۲۱۹.
۳۶. نگاه کنيد به كتاب سودمند «معالم الحضاره العربيّه في القرن الثالث الهجري»، احمد عبدالباقي/۱۵۷ فصل چهارم بخش اول «العلوم القرآنيه».
۳۷. «الفهرست»/۲۲۰، «طبقات المفسرين»، ج ۲/۱۴۸. ۴۰. «رجال النجاشي»/۶۴-۶۳ و نيز بنگريد به: «خاندان نوبختي»/۱۳۰.
۳۸. «الوافي بالوفيات»، ج ۳/۴۴، «النجوم الزاهره»، ج ۳/۱۹۵، «تاريخ بغداد»، ج ۵/۲۳۶.
۳۹. مدارك پيشين.
۴۰. «رجال النجاشي»/۶۴-۶۳ و نيز بنگريد به: «خاندان نوبختي»/۱۳۰.
۴۱. «الفهرست»/۹۵.
۴۲. «مباحث في علوم القرآن»/۱۲۴.
۴۳. «فنون الأفنان في عيون علوم القرآن»، (مقدمه)/۷۳.
۴۴. «الفهرست»/۴۱؛ «طبقات المفسرين»، ج ۱/۱۴۲؛ «سير اعلام النبلاء»، ج ۱۴/۲۸۷.
۴۵. «الفهرست»/۲۸۸؛ «طبقات المفسرين»، ج ۱/۲۲۹.
۴۶. «الفهرست»/۶۷؛ «معجم الأدباء»، ج ۱۸/۱۳۶ و نيز بنگريد به «دائرة المعارف بزرگ اسلامي»، ج ۳/۵۰۶؛ «دائرة المعارف تشيع»، ج ۱/۳۱۹.
۴۷. «الفهرست»/۱۵۳؛ «معجم الأدباء»، ج ۳/۶۷؛ «طبقات المفسرين»، ج ۱/۴۴.
۴۸. بنگريد به «معجم الأدباء»، ج ۳/۷۷ که داراي نکاتي است سودمند در جاياگاه بلخي در علوم قرآني و نيز به: «تمدن اسلامي در قرن چهارم هجري»، ج ۱/۲۲۷؛ «دائرة المعارف بزرگ اسلامي»، ج ۵/۵۰۵.
۴۹. «رجال النجاشي»/۳۷۹، «الذريعه»، ج ۲۴/۲۲۰.
۵۰. «سير اعلام النبلاء»، ج ۱۵/۲۱۷؛ «الوافي بالوفيات»، ج ۷/۲۱۶.
۵۱. «الفهرست»/۴۱ و ۲۲۱؛ «سير اعلام نبلاء»، ج ۱۵/۲۱۸.
۵۲. در «التمهيد في علوم القرآن» ج ۱/۹ اين كتاب به ابوالبركات عبدالرحمن بن سعيد أنباري نسبت داده شده است که درست نيست. ديگر اينکه سالميرگ ابوالبركات ۳۲۸ دانسته شده است که اينهم درست نيست وى به سال ۵۷۷ زندگي را بدرود گفته واز عالمان قرن ششم است و نه چهارم.
۵۳. به تحقيق محيى الدين عبدالرحمن رمضان، ۱۳۹۰. برای آثار أنباري ر. ك: «الفهرست»/۸۲، «الأعلام»، ج ۶/۳۳۴.
۵۴. «مباحث في علوم القرآن»/۱۲۲.
۵۵. «بغية الوعاة»، ج ۱/۱۷۱.
۵۶. «البرهان في علوم القرآن»، ج ۱/۳۹۳ (پانويشت) از چاپهاي متعدد آن ياد کرده است.
۵۷. «مباحث في علوم القرآن»/۱۲۲.
۵۸. «الديباج المذهب في معرفة اعيان علماء المذهب»، ج ۲/۹۵.

۵۹. برای آگاهی از چگونگی محتوای اعراب القرآن بنگرید: «النحو وکتب التفسیر»، ج ۱/ ۴۷۰ به بعد. «الناسخ والمنسوخ»، نیز چاپ شده است و معانی القرآن همچنان به صورت خطی باقی است بنگرید به: «اعراب القرآن»، ج ۱/ ۲۸.
۶۰. بنگرید به مقاله تحقیقی «رسائل پیرامون قرآن منسوب به اهل بیت (ع)» کیهان اندیشه، شماره ۱۱۴/۲۸.
۶۱. «مباحث فی علوم القرآن»/ ۱۲۲ اما در منابع شرح حال وی در میان آثارش از این کتاب نامی نیست. ر. ک: «سیر اعلام النبلاء»، ج ۱۶/ ۲۱۳؛ «الوافی بالوفیات»، ج ۴/ ۱۱۴.
۶۲. «رجال النجاشی»/ ۸۰.
۶۳. بنگرید به: «معجم رجال الحدیث»، ج ۲/ ۲۸۲؛ «الذریعه»، ج ۱۷/ ۵۲.
۶۴. بنگرید به: «بغیة الوعاة»، ج ۱/ ۲۱۸؛ «معجم الأدباء»، ج ۷/ ۲۳۲؛ «روضات الجنات»، ج ۳/ ۷۶؛ «اعیان الشیعه»، ج ۵/ ۷.
۶۵. «دارالمأمون للتراث»/ ۱۴۰۴.
۶۶. بنگرید به: «سیر اعلام النبلاء»، ج ۱۶/ ۵۳۳؛ «معجم الأدباء»، ج ۱۴/ ۷۳؛ «طبقات المفسرین»، ج ۱/ ۴۱۹؛ «وفیات الأعیان»، ج ۳/ ۲۹۹؛ «طبقات اعلام الشیعه» (القرن الرابع)/ ۱۹۳.
۶۷. «اعجاز القرآن»/ ۱۵۲. در تحلیل کتاب رمّانی بنگرید به: «اعجاز القرآن الیانی بین النظرية والتطبيق»، حنفی محمد شرف/ ۳۷، «اثر القرآن فی تطوّر النقد العربی الی آخر القرن الرابع الهجری»، محمد زغلول سلام/ ۲۳۴.
۶۸. دارالمعارف، مصر/ ۱۳۸۷.
۶۹. «سعد السعود»/ ۲۴۲؛ «کتابخانه ابن طاووس واحوال و آثار او»/ ۵۴۰.
۷۰. «معجم المفسرین»، ج ۱/ ۳۱۲ با عنوان «البيان فی اعجاز القرآن»؛ «معجم مصنفات القرآن»، ج ۱/ ۱۴۶.
۷۱. «الفهرست»/ ۲۵۳؛ «سیر اعلام النبلاء»، ج ۱۷/ ۱۱؛ «تاریخ التراث العربی»، ج ۱، ۳/ ۱۶۷؛ «النجوم الزاهرة»، ج ۴/ ۲۰۰؛ «الدیاج المذهب»، ج ۱/ ۴۲۷.
۷۲. «مباحث فی علوم القرآن»/ ۱۲۲ و نیز بنگرید به: «التمهید فی علوم القرآن»، ج ۱/ ۱۰.
۷۳. «طبقات المفسرین»/ ۱۱۲.
۷۴. «بغیة الوعاة»، ج ۱/ ۱۸۹.
۷۵. بنگرید به: «الوافی بالوفیات»، ج ۴/ ۱۷؛ «طبقات المفسرین»، ج ۲/ ۱۹۷؛ «طبقات القراء»، ج ۲/ ۱۹۹ و...
۷۶. قُلْ لئن اجتمعت الأنس والجن على أن یأتوا بمثل هذا القرآن لا یأتون بمثله...
۷۷. برای آگاهی از چگونگی این رساله بنگرید به: «اعجاز القرآن بین النظرية والتطبيق»/ ۴۷، «اثر القرآن فی تطوّر النقد العربی الی آخر القرن الرابع الهجری»/ ۲۵۵.